



منطق در خدمت فلسفه

بیان نمادین و منطقی استدلال‌های فلسفه پیش‌دانشگاهی

غلامرضا ذکیانی

اشاره

قبلاً هم مقالاتی از آقای غلامرضا ذکیانی در مجله رشد آموزش معارف اسلامی به چاپ رسیده است. این مقالات به استثنای یکی در زمینه منطق و ناظر به آموزش این فن بوده است. مقاله‌ای که اینک پیش روی شما قرار دارد، راه بهره‌برداری از منطق در فلسفه و بازشناسی و تطبیق استدلال‌های فلسفی را ارائه می‌کند. جنبه آموزشی این مقاله در عین ابتکاری بودن، ما را بر آن داشت که آن را در معرض دید و مطالعه شما خوانندگان گرامی، به ویژه دبیران محترم فلسفه و منطق دور متوسطه قرار دهیم. یا تشکر از نگارنده مقاله، امیدواریم راهی را که ایشان در این باب گشوده‌اند، یا ذکاوت و پشتکار دبیران، لباس تمامت بر تن کند.

محل ورود خارج شویم (رفع تالی)؛ ولی اگر یک (یا چند) مسیر آن باز باشد و به نتیجه برسد، می‌توان از آن مسیر (ها) پیشروی کرد (وضع مقدم).

رکن اصلی قیاس استثنایی، تشخیص مقدم و تالی است. همان‌گونه که از اسم آن‌ها پیداست، مقدم، نشانگر یک نظر یا رویداد است که تالی را در پی دارد و به بیان دیگر تالی لازمه مقدم است. مانند خیس شدن زمین (تالی) که لازمه باریدن باران (مقدم) است و با این تعبیر بیان می‌شود که «اگر باران بیارد، زمین خیس می‌شود.»

بی تردید یکی از مهم‌ترین اهداف منطق، کشف و تبیین استدلال‌های فلسفی است. در این نوشته کوشیده‌ایم تا برخی استدلال‌های موجود در کتاب «فلسفه دوره پیش‌دانشگاهی» را استخراج کنیم و هویت منطقی آن‌ها را بنمایانیم.

تقریباً تمام استدلال‌های به کار رفته در این کتاب از نوع قیاس استثنایی (وضع مقدم-رفع تالی) هستند. برای درک ملموس‌تر قیاس استثنایی بهتر است، آن را به پازلی تشبیه کنیم که دارای مسیرهای فرعی است؛ برخی از مسیرها مسدود و برخی دیگر باز هستند.... اگر همه مسیرهای پازل مسدود باشند، باید از همان

نمادگذاری

— : نماد گزاره شرطی است که جمله پیش از آن مقدم است و جمله پس از آن تالی. مانند:

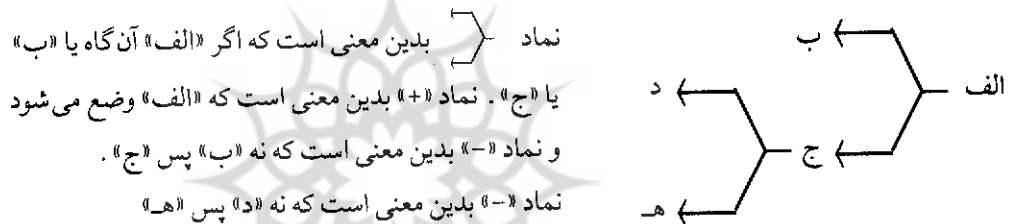
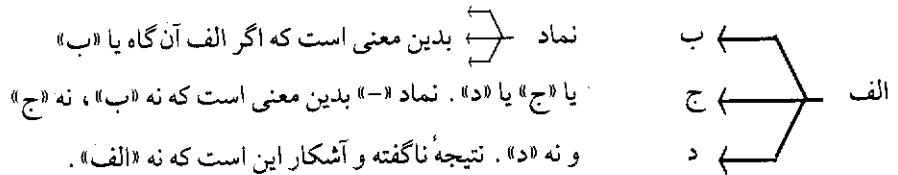
(تالی)

(مقدم)

باران می‌بارد. — زمین خیس می‌شود.

+ : نماد وضع مقدم است. (باران می بارد. **+** زمین خیس می شود.) در این مثال، نماد «**+**» بدین معنی است که اگر باران بیارد، زمین خیس می شود و نماد «**+**» بدین معنی است که باران می بارد و نتیجه ناگفته این است که زمین خیس می شود.

- : نماد رفع تالی است. (باران می بارد. **-** زمین خیس می شود.) در این مثال نماد «**-**» بدین معنی است که اگر باران بیارد، زمین خیس می شود و نماد «**-**» بدین معنی است که زمین خیس نمی شود، پس باران نمی بارد.



نکات مهم

- زمینه نقد استدلال ها فراهم می شود.
 - سطح کمی و کیفی ارائه استدلال در سراسر کتاب مورد ارزیابی قرار می گیرد.
 - اهمیت و کارایی فوق العاده قیاس استثنایی (وضع مقدم-رفع تالی) در تحلیل استدلال ها هویدا می شود.
 ناگفته نماند که نگارنده برای رسیدن به اهداف مذکور، ضمن پرهیز از تفسیر و تغییر استدلال ها سعی داشته است که همه استدلال های موجود در کتاب درسی را بیان کند. کاملاً طبیعی است که برخی خوانندگان گرامی در کمیت و شاید کیفیت تحلیل پاره ای استدلال ها با نگارنده هم رأی نباشند، لذا پیشاپیش، ضمن احترام به نظر ایشان، آمادگی خود را برای دریافت هرگونه آرای انتقادی اعلام می دارد.

نباید فراموش کرد که استحکام استدلال به شدت لزومی بستگی دارد که بین مقدم و تالی برقرار است. اگر مخاطب بپذیرد که تالی لازمه قطعی مقدم است و اثبات مقدم یا انکار تالی نیز درست است، استدلال برای او جنبه برهانی خواهد داشت؛ ولی اگر این لزوم قطعی نباشد، استدلال برای او جدلی یا خطابی تلقی خواهد شد و اگر اصلاً تالی را لازمه آن مقدم نداند، استدلال ما را مقاله پنداشته و می تواند نشان دهد که این تالی، لازمه آن مقدم نیست.
 فواید چنین تحلیلی بر خوانندگان گرامی پوشیده نیست؛ چرا که با این روش،
 - دبیران و دانش آموزان با شیوه کشف و فهم استدلال ها انس بیش تری می گیرند.



شماره‌ها در کنار استدلال‌ها نشانگر شماره صفحات کتاب فلسفه است.
ص ۱ علوم تجربی محتاج تبیین عقلانی اصول کلی خود است. ⁺ ← علوم تجربی محتاج فلسفه است.

۳ قلمروی روش تجربی، شناخت جلوه‌های محسوس اشیا است. ⁺ ← شناخت جلوه‌های نامحسوس اشیا از عهده روش تجربی خارج است.

۲۳ هرکس در عمق وجود، واقعیت هستی را می‌یابد. ⁺ ← شکاک واقعی وجود ندارد.

۳۱ صدفه ممکن است (نفی قانون علیت) ← هیچ نظم و قاعده‌ای در جهان نیست ← هیچ نوع علمی ممکن نیست (شکاکیت)

۳۲ یک شیء حادث است ↔ آن شیء محتاج علت است.

۳۷ شیء ممکن باید از حالت تساوی (امکان) خارج شود (ضروری شود) تا موجود شود ⁺ ← وجوب مقدم بر وجود است.

۴۱ واقعی هستی ⁺ ← علتش واجب است

← علتش ممکن است . ← علتش واجب است .

← علتش ممکن است . ← علتش واجب است .

← تسلسل رخ می‌دهد .

۹۲ خودمان را به واسطه یک صورت می‌شناسیم . ← می‌دانم آن صورت مطابق من است . ← خودم را به واسطه آن صورت نشناختم .

← نمی‌دانم آن صورت مطابق من است . ← خودم را نمی‌شناسم .

۹۳ هر علمی بر علم حضوری نفس به خویش استوار است. ⁺ ← هر علمی بر علم حضوری استوار است .

نفس آدمی عین حضور و نورانیت است. ⁺ ← نفس نزد خود حاضر است .

← حقیقت اشیا برای انسان در پرتو نورانیت نفس پیدا

می‌شود . ← هر قدر نورانیت نفس بیش تر می‌شود شناخت حقیقت اشیا میسر تر می‌شود .

۱۰۰ انسان تکلیف دارد. ⁺ ← تکالیف هیچ غرضی ندارند . ← تکالیف عبث است .

← تکالیف غرضی دارند . ← غرض برای خداست . ← خدا محتاج است .

← غرض برای مکلف است . ← در دنیا حاصل می‌شود .

← در آخرت حاصل می‌شود .

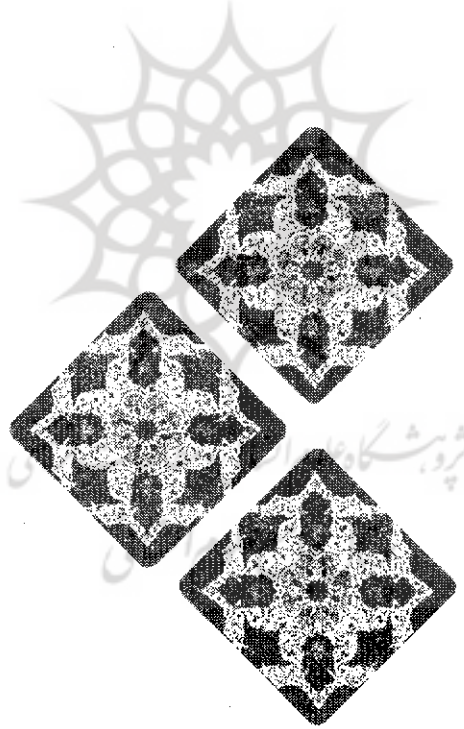
۱۱۱ اشیا وجود و ماهیت دارند. +

- ← هر دو اصیل اند. ← شیء خارجی واحد نیست.
- ← هر دو اعتباری اند. ← هیچ کدام حکایت از خارج نمی‌کند. ← شناخت محال است.
- ← ماهیت اصیل است. ← مفهوم وجود مشترک معنوی نیست.
- ← وجود اصیل است.

۱۳۲ عقل نظری و عقل عملی دو عقل نیستند بلکه دو جنبه یک عقل اند. + ادراکات حقیقی و اعتباری یک منشأ دارند.

فطرت، حد واسط بین ادراکات حقیقی و اعتباری است. + باید های اخلاقی توسط عقل با توجه به گرایش های فطری ساخته می شود.

۱۳۴ ریشه اعتقاد به علیت تعاقب دو حادثه است. ← همه تعاقب ها علیت هستند. ← بین تکرار حوادث متوالی و مفهوم علیت رابطه علیت است.



زیرنویس:

۱. تنها چهار استدلال از مجموع ۷۲ استدلال موجود به صورت محلی هستند که همان ها هم به آسانی با استدلال شرطی قابل بیان هستند.

